

راهنمای بریتانیکا در معرفی
تأثیرگذارترین شخصیت‌های
تاریخ

نقاش و پیکرتراش

تأثیرگذار تاریخ

به کوشش
کاتلین کوپر
برگردان
مهرداد معینی

۱۰۰ نقاشی و پیکرتراشی تأثیرگذار تاریخ

سرشناسه	:	کوئپر، کتلین Kuiper, Kathleen
عنوان و نام پدیدآور	:	۱۰۰ نقاش و پیکرتراش تأثیرگذار تاریخ: (راهنمای بریتانیکا در معرفی تأثیرگذارترین شخصیت‌های تاریخ) / به کوشش کاتلین کوپر؛ برگردان مهرداد معینی.
مشخصات نشر	:	تهران: معین، ۱۳۹۹.
مشخصات ظاهری	:	۵۱۳ ص.
شابک	:	978-964-165251-9
وضعیت فهرست‌نویسی	:	فیپا.
یادداشت	:	عنوان اصلی: The 100 most influential painters & sculptors of the Renaissance
موضوع	:	نقاشی رنسانس
موضوع	:	Painting, Renaissance
موضوع	:	پیکرتراشی رنسانس
موضوع	:	Sculpture, Renaissance
موضوع	:	نقاشان -- اروپا -- سرگذشتنامه
موضوع	:	Painters -- Europe -- Biography
موضوع	:	پیکرتراشان -- اروپا -- سرگذشتنامه
موضوع	:	Sculptors -- Europe -- Biography
شناسه افزوده	:	معینی، مهرداد، ۱۳۴۸ - مترجم.
رده‌بندی کنگره	:	ND۱۷۰
رده‌بندی دیویی	:	۷۰۹/۰۲۴
شماره کتابشناسی ملی	:	۶۱۵۱۳۳۷

۱۰۰ نقاشی و پیگمتراشی تأثیرگذار تاریخ

(راهنمای بریتانیکا در معرفی تأثیرگذارترین شخصیت‌های تاریخ)

به کوشش
کاتلین کوپر

برگردان
مهرداد معینی



انتشارات معین



انتشارات معین

روبروی دانشگاه تهران، فخر رازی، هاکمی داریان، پلاک ۳

www.moin-publisher.com

E-mail : info@moin-publisher.com



@moinpublisher



@moinpublisher

کاتلین کوپر

۱۰۰ نقاش و پیکرتراش تأثیرگذار تاریخ

برگردان: مهرداد معینی

چاپ اول: ۱۳۹۹

شمارگان: ۱۵۰ نسخه

اجرای طرح جلد: محسن سعیدی

حروف‌نگار: زهره افتخاری

لیتوگرافی: طیف‌نگار

چاپ: مهارت

تمامی حقوق این اثر برای ناشر و مترجم محفوظ است.

تلفن مرکز فروش: ۶۶۴۱۴۲۳۰ - ۶۶۹۶۱۴۹۵

قیمت: ۹۰۰۰۰ تومان

فهرست

۱۱۴.....	دومینیکو ونه زیانو.....	۹.....	مقدمه مترجم.....
۱۱۶.....	دیرک بوتس.....	۱۱.....	مقدمه.....
۱۱۹.....	آنتونیو ویوارینی.....	۲۳.....	کلاوس اسلوتر.....
۱۲۲.....	پیرو دلا فرانسیسکا.....	۲۹.....	جاکوپو دلا کوثرسیا.....
۱۳۰.....	آندریا دل کاستاگنو.....	۳۲.....	رابرت کمپین.....
۱۳۳.....	ژان فوکه.....	۳۵.....	لورنزو گیرتی.....
۱۳۶.....	آله سیو بالدوینه تی.....	۴۶.....	دوناتلو.....
۱۳۸.....	جنتیله بلینی.....	۵۴.....	یان ون ایک.....
۱۴۱.....	آنتونلو دا مسینا.....	۶۱.....	ایل پیسانلو.....
۱۴۴.....	جیووانی بلینی.....	۶۵.....	فرانسیسکو اسکوارسیون.....
۱۵۱.....	کارلو کریوه لی.....	۶۸.....	پائولو اوچلو.....
۱۵۴.....	دسیدریو دا ستیگنانو.....	۷۳.....	روجیر ون در وایدن.....
۱۵۷.....	نونو گونچالوز.....	۷۹.....	لوکا دلا روبیا.....
۱۶۰.....	هانس مملینگ.....	۸۱.....	فرا آنجلیکو.....
۱۶۵.....	کوزمه تورا.....	۹۳.....	جاکوپو بلینی.....
۱۶۸.....	آندریا مانتگنا.....	۹۶.....	ماساچیو.....
۱۸۱.....	برادران پولیولو.....	۱۰۵.....	فرا فلیپو لیبی.....
۱۸۴.....	مایکل پاچر.....	۱۰۵.....	فیلیپینو لیبی.....

۳۴۵.....	فرانسیا بیگیو.....	۱۸۶.....	آندریا دل وروجیو.....
۳۴۷.....	رافائل.....	۱۹۴.....	ملوزو دا فورلی.....
۳۶۲.....	هانس بالدونگ.....	۱۹۷.....	بارتولومو برمه جو.....
۳۶۵.....	ژان کلوت.....	۲۰۰.....	هوگو ون در گويز.....
۳۶۸.....	سباستیانو دل پیومبو.....	۲۰۳.....	ساندرو بوتجلی.....
۳۷۰.....	آندریا دل سارتو.....	۲۱۸.....	مارتین شونگائر.....
۳۷۶.....	دوسو دوسی.....	۲۲۱.....	لوکا سیگنورلی.....
۳۷۹.....	آلونسو بروگهته.....	۲۲۴.....	دومینیکو گیرلاندیو.....
۳۸۲.....	تیتیان.....	۲۳۱.....	هیرونیموس بوش.....
۴۰۲.....	لوکاس ون لیدن.....	۲۳۷.....	پروجینو.....
۴۰۵.....	ژان کوزین (پدر).....	۲۴۳.....	ارکول دی رابرتی.....
۴۰۵.....	ژان کوزین (پسر).....	۲۴۵.....	لئوناردو داوینچی.....
۴۰۹.....	جیولیو رومانو.....	۲۵۷.....	ویتوره کارپاچیو.....
۴۱۲.....	جاکوپو دا پونتورمو.....	۲۵۹.....	جرارد دیوید.....
۴۱۴.....	کوريجیو.....	۲۶۲.....	پیرو دی کوزیمو.....
۴۱۹.....	روسو فیورنتینو.....	۲۶۵.....	کوئنتین ماسیس.....
۴۲۲.....	یان ون اسکورل.....	۲۶۸.....	آندریا سانسوینو.....
۴۲۴.....	هانس هولباین (پسر).....	۲۷۰.....	آلبرشت دورر.....
۴۳۲.....	پاریس بوردونه.....	۲۸۴.....	فرا بارتولومئو.....
۴۳۵.....	بنوینوتو سلینی.....	۲۸۷.....	لوکاس کراناخ ادلر (پدر).....
۴۴۱.....	پارمیجیانینو.....	۲۹۴.....	میکلائز.....
۴۴۶.....	ایل برونزینو.....	۳۱۵.....	جیورجیونه.....
۴۴۹.....	فرانسیسکو پریماتیچیو.....	۳۲۴.....	ایل سودوما.....
۴۵۲.....	نیکولو دلاباته.....	۳۲۷.....	یان گوزارت.....
۴۵۵.....	دانیله دا ولترا.....	۳۳۰.....	آلبرشت آلتدورفر.....
۴۵۸.....	جیورجیو وازاری.....	۳۳۲.....	ماتياس گرونه والد.....
۴۶۲.....	فرانسوا کلوت.....	۳۳۸.....	لورنزو لوتو.....
۴۶۵.....	جاکوپو باسانو.....	۳۴۲.....	جیووانی گیرولامو ساوولدو.....

٤٦٨.....	٥٠٧.....
٤٨١.....	٥١١.....
٤٩٢.....	٥١٤.....
٤٩٤.....	٥١٦.....
٤٩٧.....	٥٢٩.....
٥٠٤.....	٥٣٣.....

مقدمه مترجم

کتاب حاضر در برگیرنده زندگی‌نامه یکصد نقاش و پیکرتراش برجسته تاریخ است که در دوران رنسانس فعالیت می‌کردند. البته این گزینش صرفاً از سوی مؤسسه بریتانیکا که در ضمن ناشر این کتاب به شمار می‌آید صورت گرفته است که می‌تواند چندان جامع و فراگیر نیز نباشد. خوانندگان با مطالعه این کتاب علاوه بر آن که با زندگی‌نامه برخی از برجسته‌ترین هنرمندان تاریخ آشنا می‌شوند بلکه همچنین شاهد رشد و تعالی سبک‌های هنری زیادی در این زمینه نیز می‌باشند.

این کتاب می‌تواند نقطه عطفی برای آن دسته از خوانندگانی باشد که مایلند تا در این زمینه به اطلاعات نه چندان جامعی دست پیدا کنند و در ضمن پایه و اساسی شود برای مطالعات جامع‌تر و فراگیرتر آنها در آینده. البته لازم به ذکر است که اگرچه مطالب این کتاب به شکلی فشرده و خلاصه ارائه شده است اما محتوای آن کاملاً تمامی نکات ضروری و مهم زندگی‌نامه این هنرمندان را در بر می‌گیرد.

نکته جالب در این کتاب، کوتاه و فشرده بودن مطالب آن است که خستگی و کسالت مطالب طویل و گسترده را در بر نداشته و در ضمن به

شکلی شیوا و رسا به نکات مهم و ارزنده زندگی نامه این هنرمندان می‌پردازد. شیوه نگارش این کتاب آنچنان سلیس و شیرین است که خوانندگان بعد از ختم موضوع همچنان منتظر ادامه مطلب می‌باشند. مترجم نیز تمام تلاش خود را به کار برده است تا با پانوشتهای مختصر و مفید و احتراز از منحرف کردن خوانندگان از موضوع اصلی به توضیح نکات تخصصی مطالب این کتاب کمک کرده و از مراجعه آنها به دیگر منابع جلوگیری کند.

مهرداد معینی

مقدمه

دوره رنسانس^۱ که یکی از شناخته شده ترین و مشهورترین دوره های تاریخی اروپا به شمار می رود در واقع سرآغاز تغییرات بزرگی در هنر و تمدن اروپایی ها می باشد که مظهر گذر از جهان قرون وسطی به عصری جدید است. در حقیقت، هنگامی که مورخین از دوره آغازین اروپای مدرن، سخن به میان می آورند در واقع به دوره رنسانس اشاره می کنند.

در حقیقت برای اکثر مردم، دوره ی رنسانس با نام کشور ایتالیا گره خورده است. با مطالعه ی این کتاب متوجه می شوید که قریب دو سوم از نقاشان و پیکرتراشانی که به آنها اشاره می شود اهل ایتالیا هستند. هنوز هم به خوبی مشاهده می شود که دوره ی رنسانس با نام ایتالیا مشخص می شود. البته در این میان می توان به هنرمندان

۱. Renaissance یا دوره تجدید حیات یک جنبش فرهنگی مهمی بود که آغازگر دورانی از انقلاب علمی، اصلاحات مذهبی و پیشرفت هنری در اروپا شد.

سرشناس دیگری همچون آلبرشت دورر و هانس هولباین (پسر) اهل آلمان، هیرونیموس بوش و پیتر بروگل (پدر) اهل هلند نیز اشاره کرد. آنها به همراه دیگر هنرمندان بزرگ فرانسوی، اسپانیایی و انگلیسی در کنار این خیل عظیم از هنرمندان ایتالیایی قرار می‌گیرند.

هنوز در این زمان نیز دوره رنسانس را با نام ایتالیا می‌شناسند و بخشی از این موضوع نیز به معنای اصلی و ابتدایی این واژه بازمی‌گردد. همچنان‌که این موضوع در دوره‌های گوناگون تاریخ هنر نیز به خوبی مشهود است، رنسانس نام خود را از محققین و دانشمندان دوره‌های بعد اخذ کرده است. اصطلاح "رنسانس" که در واقع به معنای "دوباره متولد شدن" است، برای اولین بار در اواخر قرن هژدهم، زمانی که برای توصیف ظهور مجدد اشکال معماری کلاسیکی (یونان و روم باستان) در بناهای ایتالیایی قرن شانزدهم مورد استفاده قرار گرفت به کار رفت. (در واقع این مورخان فرانسوی و نه ایتالیایی بودند که این اصطلاح را باب کردند). در طی زمان نیز این اصطلاح نه فقط در مورد معماری بلکه در مورد نقاشی، پیکرتراشی، فلزکاری، کنده‌کاری با استخوان عاج و دیگر اشکال هنری نیز به کار گرفته شد.

اگر بخواهیم به شکلی کلی‌تر بیان کنیم، محققین شروع دوره‌ی رنسانس را در اروپا از حوالی تاریخ ۱۴۰۰ تا حدود ۱۶۰۰ میلادی در نظر می‌گیرند. اگرچه این دوره، تاریخی مشخص و متمایز محسوب

نمی‌شود. تاریخ دقیق دوره رنسانس در مناطق مختلف و در میان اشکال گوناگون هنری متفاوت است. مورخین هنری، رنسانس را به سه گزینه طبقه‌بندی می‌کنند. دوره رنسانس آغازین که تقریباً از سال ۱۴۲۰ میلادی شروع شده و تا سال ۱۴۹۵ تداوم می‌یابد. دوره اوج رنسانس که زمان کوتاه‌تری را دربر می‌گیرد و از سال ۱۴۹۵ تا ۱۵۲۰ را شامل می‌شود. و دوره اواخر رنسانس که با سبکی همچون رفتارگرایی^۱ نیز شناخته می‌شود باقی این زمان را دربر می‌گیرد.

البته باور این موضوع که ظهور رنسانس در واقع به علت بروز ترک و شکافی عمیق و ناگهانی در سبک‌های هنری گذشته بوده و همچنین به شکلی اسرارآمیز همچون تولد آتنا^۲ از پیشانی زئوس شکل گرفته باشد رویکردی اشتباه است. اگرچه رنسانس دوره تحول گسترده‌ای است اما با این وجود براساس و بنیانی که تاریخ آن به قرون گذشته برمی‌گردد استوار است.

شاید تنها عنصری که در هنر رنسانس بیش از اندازه مشخص و نمایان است و این دوره را از هنر قرون وسطی متمایز می‌کند، تأکید و پافشاری آن روی حیطه بشریت و انسان‌ها است. البته این بدان معنی

۱. Mannerism یا شیوه‌گرایی اصطلاحی است که از قرن هفدهم میلادی در هنر و ادبیات رایج شد و به تدریج معانی مختلف و مغشوشی به خود گرفت. این واژه به نقاشی، پیکره‌تراشی و معماری ایتالیایی در فاصله زمانی میان اوج رنسانس و باروک محدود می‌شود.

۲. Athena آتنا در اغلب نوشته‌ها ملقب به پالاس و در اساطیر یونانی به عنوان الهه خرد، جنگ، صنایع‌دستی و نگهبان شهر آتن بود و نام آتن را به افتخار وی چنین نامیدند. گفته می‌شود که زئوس (پادشاه خدایان) آتنا را از پیشانی خود به دنیا آورده است.

نیست که مضامین مذهبی که بر هنر آغازین حکم فرمایی می‌کردند به نوعی از هنر دوره رنسانس ناپدید شده‌اند. با این وجود، شخصیت‌ها در هنر رنسانس مذهبی - فارغ از این موضوع که تا چه اندازه آرمانی بوده‌اند - همچون دوره هنری قرون وسطی و دو بعدی (گاهی اثری و گاهی مجرد) نبوده‌اند بلکه انسان‌های محکم و استواری بودند که فضایی سه بعدی را اشغال کرده و به شکلی باثبات روی زمین جا گرفته بودند.

مضامین خدایی و شمایل زمینی به نوعی در هنر "فرا آنجلیکو"، مبلغ و نقاش دومینیکنی قرن پانزدهم که هر دو جنبه رفتار مذهبی و نفوذ کلاسیکی را در آثار خود ارائه می‌نماید، با یکدیگر درهم می‌آمیزند. شخصیت‌های انسانی که به دقت ترسیم شده‌اند بر محراب و دیوار برخی از کلیساها می‌درخشند. گفته می‌شود که تأثیر وی بر هنرمندان تازه‌کار و اساتید سرزمین مادری وی شهر فلورانس تا مدت‌های مدیدی همچنان ادامه داشته است. همچنین گفته می‌شود که نقاش چیره‌دست "فرا فلیپو لپی" که در اواسط دهه ۱۴۰۰ زبانزد خاص و عام بود به شدت متأثر از فرا آنجلیکو بوده و از سبک وی تقلید نموده و آن را با روش‌ها و روحیه داستان‌سرایی خود تلفیق نموده است.

علاوه بر این، خالقین هنر رنسانس مذهبی در مناسبات انسانی به شور و هیجان و همچنین احساسات بشری نیز اشاره‌ای داشته‌اند. در

ورای این رشد و توسعه خصوصیات بشری در هنر مذهبی، رنسانس همچنین به رشد طبقات هنری که از جایگاه کوچکی در جهان قرون وسطی برخوردار بوده همچون تمثال‌هایی که آثار هنری مستقل و نه عناصری ثانویه در تصاویر مذهبی به شمار آمده، مضامینی برگرفته شده از اساطیر کلاسیکی، چشم‌اندازها و طراحی صحنه‌های روزمره، توجه خاصی مبذول می‌داشت. "ساندرو بوتچلی"، یکی از مهم‌ترین و محبوب‌ترین نقاشان دوره رنسانس، در هر دو زمینه تعصب مذهبی و بروز دیدگاه‌های غیرمذهبی یک استاد به شمار می‌آمد. در حقیقت، شماری از محققین هنری بر این باور بودند که نقاشی‌های رنگ روغن بوتچلی به نوعی مساوی یا برتر از آثاری است که وی متعهد شده بود تا برای برخی از کلیساهای فلورانس ترسیم نماید. او همچنین بارها از سوی برخی از حامیان خود که از اعضای خانواده معروف مدیچی^۱ به شمار می‌آمدند ترغیب شده بود تا تصاویری از آنها ترسیم نماید. او همچنین معروف بود که در یک زمان برای دو ارباب خود کار می‌کرد. سه ریش‌سفید طایفه مدیچی که با عنوان ماگی شناخته می‌شدند (پادشاهانی که در زمان تولد عیسی مسیح به وی ادای احترام کردند) در یکی از مشهورترین آثار وی با نام "ستایش ماگی" که بر دیوار محراب کلیسای "سانتا ماریا نوولا" می‌درخشد دیده می‌شوند.

۱. Medici خانواده قدرتمند ایتالیایی دوران رنسانس که از قرن پانزدهم تا قرن هیجدهم در شهر فلورانس حکومت می‌کرد.

اعتماد به خرد و استعداد خلاقیت بشر و همچنین قابلیت وی در درک و کنترل دنیای طبیعی همراه با حس فزاینده فردگرایی مشخصه دوره رنسانس اروپا بود. این رشد و توسعه، تجلی جنبش روشنفکری رنسانسی بود که با عنوان اومانیزم^۱ شناخته می‌شد. محققین آلمانی قرن نوزدهم برای توصیف رنسانس و تأکید بر تحقیقات کلاسیکی دست به خلق این واژه زدند. با این وجود اگرچه "اومانیزم" ممکن است از دست‌آوردهای قرن نوزدهم به‌شمار آید اما در واقع براساس واژه‌ای که در قرن پانزدهم و آن هم در ایتالیا برای توصیف معلمی که به تدریس علوم انسانی مبادرت می‌ورزید استوار بود. این واژه نیز در مقابل از واژه دیگری که به دوره مطالعات کلاسیکی که دربرگیرنده متون کلاسیک لاتین، یونانی، دستور زبان، شعر، معانی و بیان، تاریخ و فلسفه اخلاق بود اطلاق می‌گشت.

اومانیزم به شدت بر رشد و توسعه شرافت و فضیلت بشری همچون درک، همدردی، بخشندگی، بردباری، قضاوت، فصاحت و محترم داشتن تأکید می‌ورزد. اومانیزم بر زندگی که بر مشارکت در جهان استوار است و همچنین تفکر و تعمق تأکید می‌کند. در تفکر اومانیزستی، مردم در مرکز گیتی قرار دارند، از آزادی شخصی

۱. Humanism یا انسان‌گرایی، جهان‌بینی فلسفی و اخلاقی است که برارزش و عاملیت انسان‌ها به صورت فردی یا جمعی تأکید داشته و تفکر نقادانه را بر پذیرش خرافات ترجیح می‌دهد.

برخوردار بوده و همچنین از قابلیت درک جهان و اجرای هر آنچه که در ذهن خود می‌سازند برخوردارند. ایمان به شأن و اعتبار انسانی و فردگرایی محور اصلی اومانیزم را تشکیل می‌دهد.

باورهای اومانیزستی منجر به بروز تصور "انسان کیهانی" شد که امروزه با عنوان "انسان رنسانسی" نیز شناخته می‌شود. این شخص فردی بود که در تمامی حوزه‌های علم، مهارت‌های جسمی، مهارت‌های اجتماعی و هنرهای شخصی ماهر و کارکشته به شمار می‌آمد. این ایده ریشه در نوشته‌های "لئون باتیستا آلبرتی"^۱ شخصی که کتاب‌های وی در باب تئوری هنر نقش مهمی در شکل‌گیری هنر رنسانس ایفا کرده و مقام و موقعیت هنرمند را از یک صنعتگر ساده به روشنفکری تمام‌عیار ارتقا بخشید دارد. در حقیقت، آلبرتی نشانه بارزی از انسان کیهانی بود. او نه فقط یک محقق بود بلکه همچنین یک معمار، نقاش، شاعر، دانشمند و ریاضیدان محسوب می‌شد.

کتاب وی با عنوان "درباره نقاشی" که در سال ۱۴۳۵ منتشر شد حاوی قوانینی برای تشریح یک منظره سه بعدی بر روی سطحی دو بعدی بود. این قوانین وی بود که امروزه با عنوان پرسپکتیو^۲ شناخته می‌شود، روشی که نقاشی‌ها را بسیار زنده نشان داده و نقطه قوت

۱. Leon Battista Alberti نقاش، هنرمند، معمار، شاعر، فیلسوف، زبان‌شناس و نویسنده ایتالیایی (۱۴۷۲-۱۴۰۷).

۲. Perspective یک تکنیک هنری در نقاشی برای القای تصویری سه بعدی (عمق و فضا) در سطوح تخت و دو بعدی (مانند نقاشی) است.

"پائولو اوچلو" شده بود. تجربیات اوچلو با اشکال گوناگون پرسپکتیو که معرف سبکی تقریباً تحلیلی - ریاضی بود در نهایت با استفاده متعارف از این عنصر هنری مهم رنسانسی اعتبار زیادی برای وی به ارمغان آورد. چنین تصور می‌شود که مطالعات اوچلو بر روی مبحث پرسپکتیو تأثیر زیادی بر روی هنرمندان دیگری همچون "پرو دلا فرانچسکا" و شاید هنرمند مشهور ایتالیایی "لئوناردو داوینچی" گذاشته باشد. لئوناردو که یک مخترع، موسیقیدان، نویسنده، دانشمند و همچنین یک نقاش به شمار می‌آمد در واقع یک مرد رنسانسی محسوب می‌شد. "جیورجیو وازاری"^۱ نویسنده، او را "بنیانگذار نقطه اوج رنسانس" بیان می‌کرد. در واقع لئوناردو استاد بی‌چون و چرای پرسپکتیو و آرایش هنری بود. تصویر مونالیزا^۲ که به نظر تصویری ساده است در واقع مطالعه پیچیده موضوعات مورد پسند دوره رنسانس همچون چهره انسانی (تبسم مرموزانه زنی در پیش‌زمینه) و طبیعت (تپه‌هایی با شیب ملایم و رودخانه‌ای پریپچ و خم در پس‌زمینه منظره) است.

از دیگر هنرمندانی که در زمینه‌های گوناگونی فعالیت داشتند می‌توان به "میکلانژ" اشاره کرد که به عنوان پیکرتراش، نقاش، معمار،

۱. Giorgio Vasari نقاش، نویسنده، مورخ و معمار ایتالیایی (۱۵۷۴-۱۵۱۱).

۲. Mona Lisa مونالیزا که به لبخند ژوکوند نیز شهرت دارد نام یکی از معروف‌ترین تابلوهای نقاشی لئوناردو داوینچی است.

شاعر و همچنین طراح استحکامات نظامی شناخته شده بود. او که اولین و سرشناس‌ترین پیکر تراش و همچنین از مریدان بی‌چون و چرای لئوناردو به شمار می‌رفت می‌توانست از یک تخته سنگ مرمر جزئیات بدن انسان متحرک را خلق نماید. تکنیک و مهارت وی در آناتومی^۱ به زیبایی در سقف نمازخانه سیستین به نمایش گذاشته می‌شود جایی که او به شکلی بصری داستان پیدایش کتاب انجیل را آن هم در عوض آن که به نقاشی دوازده حواریون مشغول شود مجدداً بیان می‌کند به نمایش گذاشته می‌شود.

از این گذشته، هنرمندان دوره آغازین رنسانس در اروپای شمالی نسبت به هم‌تایان ایتالیایی خود بسیار کمتر وقت خود را با آثار باستانی کلاسیکی سپری می‌کردند. آثار آنها بیشتر شامل مسائل عمیق اومانیستی و جلب توجه به بشریت و حوزه انسانی می‌شد. در اواخر قرن چهاردهم و اوایل قرن پانزدهم، پیکر تراش خلاق "کلاوس اسلوتر" به ساخت پیکره‌هایی بی‌نظیر و جاودانی همت گماشت که چهره‌ها و حرکات آنها احساسات انسان‌ها را به شدت ملتهب می‌کرد. یکی از حامیان اسلوتر، "فیلیپ جسور" دوک بورگاندی و حاکم سرزمین‌های پست^۲ اروپای شمالی بود. نقش فیلیپ و جانشینانش در

۱. Anatomy کالبدشناسی یا تشریح شاخه‌ای از علوم زیستی است که به بررسی ساختار و شیوه کار تن و بدن جانداران می‌پردازد.

۲. Low Countries یا کشورهای بنلوکس که شامل کشورهای بلژیک، هلند و لوگزامبورگ می‌شود.

شمال اروپا آن هم در حمایت از هنر همانند خانواده مدیچی در ایتالیا بود.

در زمانی که اسلوتر مشغول به کار بود، "رابرت کمپین" نقاش آثاری آفرید که مضامین آن مذهبی بوده اما سبک وی فاقد چنین احساسی بود. او پیکره‌های خود را در فضایی سه بعدی شکل می‌داد و مناظری برای آنها فراهم می‌کرد که با ظهور طبقه متوسط هم‌سویی داشته و به دقت نیز با جزئیات زندگی روزانه آنها مطابقت داشت.

"یان وان آیک" که غالباً وی را بنیانگذار نقاشی فلاندر^۱ قلمداد می‌کردند درست در زمانی که نقاشان ایتالیایی هنوز از رنگ‌های لعابی (رنگدانه‌های خاکی که با زرده تخم‌مرغ مخلوط می‌شد) قرون وسطی در نقاشی‌های خود استفاده می‌کردند به توسعه تکنیک‌های نقاشی رنگ روغنی کمک شایانی نمود. او با استفاده از این تکنیک به توصیف و تشریح دنیایی از جزئیات استثنایی، رنگ‌هایی پرمایه و درخشندگی مسحورکننده همت گمارد. او همچنین اولین نقاش فلاندري بود که آثار خود را امضاء می‌کرد که به نوعی مبین قدر و منزلت جدید هنرمند در دوران رنسانس به شمار می‌آمد. او همچنین پا را از این هم فراتر گذاشته و در برخی از آثار خود شعاری اشرافی نیز به کارهای خود اضافه می‌کرد.

۱. Flandre منطقه بزرگی از فرانسه و بلژیک که اکنون یکی از نواحی بلژیک می‌باشد. این ناحیه در شمال بلژیک قرار دارد و مرکز آن نیز شهر بروکسل است.

"روجیر وندر وایدن" که از معاصران ون آیک بود نقاشی‌هایی خلق کرد که با زیرکی و موشکافی عظیمی به تشریح دنیای احساسی و هیجانی می‌پرداخت. در اواخر قرن پانزدهم، "هانس مملینگ" نقاش آلمانی که در سرزمین‌های پست به نقاشی کردن مشغول بود به خلق تصاویری حاکی از مشاهدات و احساساتی استثنایی همت گماشت. نقاشی‌های مذهبی وی اگرچه در آن زمان از شهرت خوبی برخوردار بوده و به شدت مورد تقلید قرار می‌گرفت اما امروزه معمولاً آثاری معمولی تلقی می‌شوند.

"آلبرشت دورر" که در اواخر قرن پانزدهم و اوایل قرن شانزدهم در آلمان مشغول به کار بود یکی از غول‌های دوره رنسانس به شمار می‌آید. شاید او نسبت به دیگر هنرمندان شمال اروپا از شخصیتی بسیار نزدیک به الگوی انسان کیهانی برخوردار بود. او با بهره‌وری از استعدادی استثنایی آثاری در زمینه‌های گوناگون از جمله مشاهداتی دقیق به همراه جزئیاتی کامل درباره جهان طبیعی خلق کرد.

در مراسم عزاداری "پیتر بروگل پدر" که در نیمه دوم قرن شانزدهم رخ داد یکی از دوستانش چنین بیان می‌کند "کامل‌ترین نقاش این دوران." آثار وی موضوعات گسترده‌ای را شامل می‌شود اما امروزه به دلیل این‌که علاقه و دل‌بستگی اومانیست‌ها به انسان‌ها و جهان آنها را به سادگی بیان می‌کنند به خوبی شناخته نشده است. او مناظر بی‌شماری از زندگی روزمره انسان‌ها و نه زندگی اشراف یا

حتی طبقه متوسط بازرگان را به تصویر کشیده است. در مقابل، وی زندگی روزمره کشاورزان و روستائیان را به تصویر کشیده است که تأثیر آن تقریباً مشابه تحقیقات یک مردم‌شناس در باب فرهنگ مردمی است. بروگل همچنین آثاری خلق کرد که درواقع شکل بصری ضرب‌المثل‌های عامه‌پسند هلندی است.

آنچه که در پی می‌آید شرح حال هنرمندان برجسته جهان در دوره رنسانس است که در این جا به اختصار به گوشه‌ای از آنها اشاره شده است.

کلاوس اسلوتر

(زادروز: ۱۳۴۰/۵۰ هلند - درگذشت: ۲۴ سپتامبر ۱۴۰۵ یا ۳۰ ژانویه ۱۴۰۶ فرانسه)

کلاوس اسلوتر^۱، استاد مسلم پیکرتراشی اهل هلند پا را فراتر از سلائق فرانسوی‌های حاکم بر این هنر در آن زمان گذاشته و به سمت اشکال طبیعت‌گرایانه و به شدت ماندگار سوق پیدا کرد. آثار وی سرشار است از واقع‌گرایی به همراه معنویت و عظمتی جاودانی. تأثیر وی بر نقاشان و پیکرتراشان قرن پانزدهم شمال اروپا غیرقابل انکار است.

شهرت وی بیشتر به دلیل آثار وی است تا شخصیتش. به نظر می‌رسد که او فردی با نام "کلاوس دو اسلوتر ون هارلم" باشد که نام وی در میان سنگ‌تراشان شهر بروکسل به تاریخ ۱۳۷۹ ثبت شده است. از مدارک به دست آمده از دوک‌نشین بورگاندی چنین به نظر می‌رسد که او در سال ۱۳۸۵ به خدمت فیلیپ دوم جسور^۲، دوک بورگاندی که حاکم هلند و نایب‌السلطنه

1. Claus Sluter

۲. Philip II the Bold دوک بورگاندی و چهارمین و جوان‌ترین فرزند جان دوم است (۱۴۰۴-۱۳۴۲).

فرانسه در اواخر آن قرن بود درآمد داشت. فیلیپ فرمان ساخت بنای صومعه کارتوزین شامپ مول در شهر دیژون^۱ را به سال ۱۳۸۳ صادر کرد و نمازخانه آن را همچون یک آرامگاه سلطنتی که با پیکره‌هایی ساخته دست اسلوتر مزین شده بود بنا کرد.

به نظر می‌رسد که تمامی پیکره‌های به‌جامانده از اسلوتر به دستور فیلیپ ساخته شده است. دو پیکره وی هنوز در محل شامپ‌مول پابرجا است. پیکره‌های روی ستون مرکزی که ورودی نمازخانه را به دو قسمت تقسیم می‌کند بیانگر دوک و دوشس بورگاندی هستند. اثر وی با نام "چاه موسی" که در قسمت رواق صومعه قرار گرفته است مشتمل است از بقایای یک سر چاه که توسط گروهی از همراهان عیسی مسیح در آن‌جا گذاشته شده است. دیگر اثر به‌جامانده از وی مقبره شخصی دوک است که زمانی در نمازخانه شامپ‌مول برافراشته بود اما بعدها به موزه هنرهای زیبای شهر دیژون رفته و مجدداً در آن‌جا برافراشته شد.

مدارک موجود در دیژون اطلاعات زیادی درباره سفارشات پیکرتراشی اسلوتر در اختیار ما قرار می‌دهد. او در سال ۱۳۸۹ جایگزین "ژان دو مارویل"^۲ شد تا پست مدیریت پیکرتراشی دوک را عهده‌دار شود و در همان سال نیز او به ساخت پیکره‌های تزئینی سردر ورودی که طرح آنها را در اوایل سال ۱۳۸۶ کشیده بود همت گمارد. او طاق مرکزی را که دچار آسیب شده بود تعویض کرده و تا سال ۱۳۹۱ نیز ساخت مجسمه‌های مریم مقدس و عیسی مسیح و همچنین دو قدیس را تکمیل نمود. تا سال ۱۳۹۳ مجسمه

۱. Dijon مرکز ایالت بورگاندی فرانسه است.

۲. Jean de Marville پیکرتراش فرانسوی که در اواخر قرن چهاردهم می‌زیست.

دوشس به پایان رسید و تصور می‌شود که مجسمه دوک نیز تا آن زمان تکمیل شده باشد. او در سال ۱۳۹۵ کار ساخت "گروه کالواری" را برای صومعه آغاز کرد.

اسلوتر در سال ۱۳۹۶ خواهرزاده خود با نام "کلاوس دو ورو" و همچنین مجسمه‌سازی از بروکسل را به دیژون آورد تا در کار ساخت سفارشات متعدد دوک وی را یاری کند. بخش معماری مقبره دوک تا سال ۱۳۸۹ به پایان رسیده بود اما فقط دو مجسمه در حال سوگواری این ترکیب آماده شده بود که دوک در سال ۱۴۰۴ فوت می‌کند. پسر فیلیپ با نام "دوک جان نترس"^۲ در سال ۱۴۰۴ قرارداد تکمیل مقبره پدرش را برای مدت چهار سال منعقد می‌کند اما خواهرزاده اسلوتر آن کار را تا سال ۱۴۱۰ تمام نمی‌کند و از آن به عنوان الگویی برای ساخت مقبره شخصی دوک جان استفاده می‌کند. شماری از مجسمه‌های سوگوار که در اطراف آن بنا قرار گرفته‌اند می‌بایستی تقلیدی از کارهای اسلوتر باشد اگرچه مقایسه آنها کار دشواری است زیرا که در انقلاب فرانسه این دو مقبره را باز کرده و از سال ۱۸۱۸ تا ۱۸۲۳ دوباره آنها را جمع کردند.

اسلوتر که در هنر یک مبتکر به شمار می‌آمد برای خلق پیکره‌هایی زیبا و باوقار، ظریف و برازنده و همچنین سیال پا را از حد و مرز علائق فرانسوی‌ها فراتر گذاشت. او در ارتباط با توده مردم نیز با ارائه مجسمه‌هایی پراحساس که در آثار "آندره بونه وو"^۳ یکی از معاصران برجسته وی که در

۱. Claus de Werve مجسمه‌ساز هلندی (۱۴۳۹-۱۳۸۰).

۲. Duke John the Fearless دوک بورگاندی از سال ۱۴۰۴ تا زمان مرگش (۱۴۱۹-۱۳۷۱).

۳. Andre Beauneveu مجسمه‌ساز و نقاش هلندی (۱۴۰۲-۱۳۳۵).

خدمت برادر فیلیپ "دوک دو بری" بود از قید و بند افکار آنها رهایی پیدا کرد. عظمت پیکره‌های اسلوتر را فقط می‌توان با نقاشی‌های فلاندری (اثر وان ایکز و رابرت کمپین) یا مجسمه‌های ایتالیایی (اثر جاکوپو دلا کوئرسیا و دوناتلو) در قرن‌ها بعد مقایسه کرد.

در حال حاضر ورودی نمازخانه شامپ مول تا حدودی صدمه دیده است. قسمت‌های مربوط به مریم مقدس و فرشته‌ها که نماد مصیبت حضرت مسیح است از میان رفته است. این اثر اگرچه توسط مارویل شروع شده بود اما می‌بایستی توسط اسلوتر دوباره طراحی شده باشد. اسلوتر پیکره‌های خود را به شکلی جلوتر از بنا قرار می‌دهد که عمداً در یک ردیف مشاهده نشوند و درگاه نیز برای ستایش از دوک فیلیپ و همسرش در پس‌زمینه قرار می‌گیرد. این تغییر طراحی از ورودی سنتی به شکل تصویری است که در آن بنا بدل به چهارچوبی شده است برای یک نقاشی سه بخشی. طراحی طاق‌ها و بیرون‌زدگی‌ها که با پیکره‌هایی کنده‌کاری شده همراه است و همچنین ارائه پارچه‌کاری‌هایی مواج در آثارش به طبیعت‌گرایی پویای وی کمک شایانی نمودند. این یک هنر وزین و چشمگیری است که در اشکالی بزرگ و متعادل خودنمایی می‌کند.

در حال حاضر، چاه شش وجهی موسی که فاقد تاج "گروه کالواری" است و روی هم رفته نماد "چشمه زندگی" به شمار می‌آید بیانگر شش پیامبر با قامتی طبیعی است که کتاب‌ها، طومارها یا هر دوی آنها را در دستان خود نگاه داشته‌اند. این پیکره‌ها که با حضرت موسی شروع می‌شوند در جهت عکس عقربه‌های ساعت عبارتند از دیوید^۱، جرمیا^۲، زکریا^۳، دانیل^۴ و اشعیاء^۵.

۱. David داوود پادشاه عبرانیان قدیم جانشین شاول و سراینده زبور.

نبی^۴. موسی مستقیماً در زیر چهره عیسی مسیح قرار گرفته است و موقعیت زکریا، پدر یحیی، در پشت پیکره عیسی مسیح واقع شده است همچنان که براننده یک پیام‌آور است. زکریا با حالتی اندوهگین به سمت پایین نگاه می‌کند همچنان که دانیال به شکلی قاطعانه به پیامبری وی اشاره دارد. در آن سوی دانیال و برای ایجاد تعادل در شور و هیجان وی، اشعیاء نبی آرام و خونسرد قرار گرفته است. این حسن همجواری به خوبی مهارت اسلوتر را در استفاده از تعادل طبیعت‌گرایانه نشان می‌دهد. تکه‌های به‌جامانده از سر و تنه عیسی مسیح، قدرت و عمق بیان آرام و ملایمی را نشان می‌دهد که مبین عظمت و شکوهی قاطعانه است. رنج و تسلیم و رضا از ابروان گره‌خورده به خوبی نمایان است اگرچه قسمت پایین‌تر صورت که باریک و نحیف به نظر می‌رسد آرام و فاقد هرگونه فشار ماهیچه‌ای است. "زان مالوئل"^۵ نقاش دوک، با رنگ‌های بدیعی چاه موسی را به تصویر کشیده است و توسط هرمان در شهر کلن آلمان تذهیب شده است. پیکره‌ها بر چهارچوب بنا احاطه داشته اما از طریق عظمت حرکتی که القاء می‌کنند احساس تکیه‌گاهی را که بنا ارائه می‌نماید را تقویت می‌کنند.

-
۱. Jeremiah ارمیاء نبی و پیامبر یهود که شکست و فتح بنی‌اسرائیل را به دست بابلیان و ایرانی اورشلیم را پیشگویی کرد.
 ۲. Zechariah زکریا، شخصیتی در کتاب مقدس و نویسنده کتاب زکریا و یکی از دوازده پیامبر براساس متون مقدس عبری.
 ۳. Daniel یکی از پیامبران بنی‌اسرائیل که از تاریخ وی جز آن‌چه از کتاب دانیال نبی در کتاب مقدس برمی‌آید اطلاع دقیقی در دست نیست.
 ۴. Isaiah اشعیاء پیامبری یهودی در قرن هشتم پیش از میلاد که سخن از منجی رهبر آینده قوم بنی‌اسرائیل می‌زد که بعدها او را عیسی(ع) دانستند.
 ۵. Jean Malouel هنرمند هلندی (۱۴۱۵-۱۳۶۵).

آخرین اثر به‌جامانده از اسلوتر، مقبره فیلیپ جسور بود که برای اولین بار از سوی ژان دو مارویل سفارش آن داده شد. در واقع مارویل فقط مسئول ساخت گذرگاه زیرین تخته سنگ مرمرین سیاه مقبره بود که از شهر دینانت^۱ به آن‌جا آورده شد. چهل مجسمه به ارتفاع تقریباً ۴۱ سانتی‌متر که از سوی اسلوتر طراحی و اجرا شده بود، قسمت مراسم سوگواری را شکل می‌دادند. در حال حاضر تمامی این مجسمه در محل خود در مکان مقبره قرار ندارند. سه عدد از آنها از میان رفته، سه عدد دیگر در موزه هنری کلیولند جا گرفته است و یکی دیگر نیز در اختیار یک مجموعه‌دار فرانسوی است. این مجسمه‌ها الگویی شد برای خواهرزاده اسلوتر، "ژوان دو لا هوئرتا"^۲ و دیگر هنرمندان برای پیکرتراشی مقبره‌هایی در فرانسه و دیگر نقاط جهان. اسلوتر نه این مراسم سوگواری را ابداع کرده و نه تنظیمات طراحی آن را صورت داده بود. اما او بر این باور بود که این مجسمه‌ها باید حالتی سوگوارانه داشته باشند. این مجسمه‌ها به یکدیگر هیچ‌گونه شباهتی نداشته اما همه آنها ملبس به شنلی پشمین و پوشاکی بودند که برای منتقل کردن حالت سوگواری پنهان آنها، سرهای خمیده و صورت‌های آنها را مستور کرده بود. اسلوتر که یک روح‌گرا و طبیعت‌گرا به شمار می‌آمد تجلی آشکار رشد آگاهی از طبیعتی منحصر به فرد آن هم به همراه قوانینی قابل کشف و عظمتی قابل تحمل بود.

۱. Dinant شهری در بلژیک.

۲. Juan de la Huerta مجسمه‌ساز اسپانیایی (۱۴۶۲-۱۴۱۳).